

۰۷۷۱-۷۸۷۱ میکرو پر فلم

مجلد ۲۵۱ اسایش

ن، ۰۷۷۱، ۰۷۷۱ تل لشتا فسسهه نی ایمه

ISBN: ۹۸۳-۴۵۱-۰۶۴-۸

۰۷۷۱ میکرو پر فلم

۰۷۷۱ نیمه ریسمان کتاب

۰۷۷۱ VAFIA MIRVAFIA

۰۷۷۱ تل لشتا فسسهه نی ایمه

# روايت

## بزرگ علوی

تیار

مجلد ۲۵۱

نمایشگاه ۰۷۷۱ نی ایمه

۰۷۷۱ تل لشتا فسسهه نی ایمه

۰۷۷۱ میکرو پر فلم

نی ایمه

نمایشگاه بکر نی

\*\*\*

تل لشتا فسسهه

۰۷۷۱ نی ایمه

۰۷۷۱ تل لشتا فسسهه نی ایمه

۰۷۷۱ نی ایمه ۰۷۷۱ تل لشتا فسسهه نی ایمه

www.custodiansoflanguage.com

E-mail: info@custodiansoflanguage.com

روايت

۰۷۷۱ مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۱

عکس اینستاگرام پلیس تئالی لشتنا (شیوه‌نمای) ب لایه‌نامه  
متفقه لهلهای مجه لعن پلیس دست ای اکلامان المد دن لشنا ن لجه نه دن لاهه  
لشنا ه عیال یمه لجه لاهه عیال عیضه لجه لجه لجه پلیس پلیس  
لجه لجه سو بفده نوار ن شیوه نار پیچه بزه مله ده منک روحه  
لهمیقه لهلهای زیا ولهم یاری ن لعن ۵۰۰۰ دست احفله ای ن لشنا  
بیت باریه ن لاهه لشنا فایلی، عیال ای ای لعله لعله بیت بیت بیت بیت  
رخه شیوه نار شیوه بالسته لمه بیت بیت لفظ ای ایهه رمه نمله نجده  
و هنلخ چه ملخه ای ایهه هنگ کنیه کنیه کنیه کنیه کنیه کنیه  
سادهه هریت و عیسی که به جای مقدمه  
دو آن وجود ندارد. حکایت است روایت است سرگذشت نیسته

برای کسانی که ممکن است «روایت» را به عنوان یک تاریخ یا سرگذشت تلقی کنند و اشخاص و حوادث آنرا واقعی بپندازند ذکر این نکته لازم است که این کتاب، با همه اشارات تاریخی ظاهرآ واقعی که در آن وجود دارد، بهر حال یک «رومأن» است، و مثل هر رومان و داستان دیگری، در عین حال که ممکن است از واقعیات الهام و بهره بگیرد، هیچیک از حوادث و شخصیت‌های آن «حقیقی» نیستند و علیرغم شباهت بعضی از آنها با حوادث و شخصیت‌های حقیقی، داستان مطلقاً ساخته و پرداخته ذهن و احساس و دریافت و سلیقه‌ها و داوری‌های آگاهانه و ناخود آگاه نویسنده است، و بدون شک اگر کسی «نوار» و «دبالة نوار» را که انگیزه نگارش کتاب بوده، گوش کند هیچ رابطه «واقعی» میان این دونمی تواند بیابد. انسانی: دلوز و سکدل، بلندپرواز

آنچه از نظر خوانندگان می‌گذرد نه قصه است و نه رمان، هیچ‌گونه حادثه غریب و عجیبی که در دوران خاصی برای همه ما رخ نداده باشد در آن وجود ندارد. حکایت نیست، روایت است. سرگذشت نیست، تاریخچه دورانی است که از روی نواری دربرگیرنده رویدادهای زندگی انسانی رنج کشیده نقل شده است.

برخی گویند: یک قصه عشقی بیش نیست. دیگران آن را یک رساله حزبی شمارند. هر کسی از ظن خود شد یار من. شایسته بود اگر عین نوار را روی کاغذ می‌آوردم، بی‌کوچکترین دخالتی از جانب کاتب. عیب کار این بود که «قهرمان» هویت خود را، آنچنان که هست، آن طوری که در عالم واقع وجود دارد، نشناشانده است. خودش آنقدر فروتن است که نمی‌خواهد دلیری و از خود گذشتگی اش آشکار شود. به علاوه وجود او معجونی است از ترس و بی‌باقی و زور آزمائی، خشم و پوزخند و ننگ و غرور. آنجائی که باید سربلند باشد خود را شرمنده می‌نمایند. کاتب استنباطات خود را از این جرثومه بیان می‌کند.

فروд آدمی است با تمام خواص انسانی: دلسوز و سنگدل، بلندپرواز

زمانی که کتاب «چشمها یش» انتشار یافت خیلی‌ها گفتند که استاد مکان، قهرمان داستان، کمال‌الملک است، خیلی‌ها هم اظهار عقیده کردند که ارانی است. بعضی‌ها هم که خود را در کار هنر وارد می‌دانستند مدعی شدند که علوی با ترکیبی از خودش و این دو نفر پرسوناژ اصلی داستان را ساخته است. او در آن زمان در برابر تمام این اظهار عقیده‌ها سکوت می‌کرد و اگر کسی با سماجت از او درباره استاد مکان می‌پرسید، به یک کلمه «نمی‌دانم» اکتفا می‌کرد. اما چندسال پیش از مرگش وقتی کسی از او پرسید: «آقابزرگ، این استاد مکان کیست؟» ممحوجیانه و مظلومانه جواب داد:

و من فکر می کنم که «فروود» هم کسی جز خود آقابزرگ نیست.  
لر خان لر خان رئیس بول «تیار» شیخان حکمه ها در راه راه راه  
نیاینچه ملک امیر رعقاله این آثار ایامه عزیزی را ملکه ای ملکه ای  
۱۳۷۷ خرداد ۲۰  
«هر رعقاله آمده ریختی لاتیل کشانه بدب لایتی و امانتی  
ب پارسا